

که بگویند من درست می‌گویم، شما اشتباه می‌کنید، نه، می‌گفت من درست می‌گویم، شما نیز ممکن است درست بگویید بنابراین من باید فکر کنم ببینم که کدام حرف درست است.

ایشان به این عبارتی که مرقوم هست، خیلی ایمان داشت: «تَتَعَاوَنَ فِيهَا اتَّقُونَ عَلَيْهِ وَبِعْذُرِ بَعْضِنَا بَعْضًا فِيمَا اخْتَلَفْنَا فِيهِ». او معتقد بود در مسائل مشترک با هم همکاری می‌کنیم و در مسائل اختلاف همدیگر را معذور می‌کنیم، چون او دلیل دارد، من نیز دلیل دارم.

#### ◀ رابطه ایشان با آیت‌الله بروجردی چگونه بود؟

من مصاحبه مفصلی با آقای واعظ زاده داشتم که آن را در مجله رساله‌التقريب منتشر کردم. در آنجا این سؤال را از ایشان پرسیدم که شما از آقای بروجردی چه آموختید؟ ایشان به دو اصل مهم اشاره کردند: یکی اینکه در فقه اسلامی باید تحول ایجاد شود و دوم، تقرب بین مذاهب اسلامی، که هر دو را از ایشان آموخته بود.

وقتی در فقه صحبت از فقه اسلامی می‌شد از تمامی مذاهب اسلامی یاد می‌کرد و در مسأله اختلاف بین مذاهب اسلامی برای آنها عذر می‌نهاد و می‌گفت که این اختلاف به این علت است و آن را بیان می‌کرد. مانند آقایانی که با مکتب امام صادق (ع) اختلاف داشتند و معذور بودند از اختلافاتی که داشتند. ایشان اطلاع زیادی از کتب احادیث اهل تسنن داشت که این بسیار مهم است. در انتشار کتابی که به جامع الأحادیث الفقهیه معروف است، هم همکاری زیادی کرد. به دنبال این بود که آیت‌الله بروجردی در کنار این مسائل فقهی، مسائل فقهی اهل تسنن را نیز بنویسند که نشد، گویا عمرشان کفاف نداد. از نظر آقای بروجردی مسأله مهم این بود که مرجعیت علمی اهل بیت بیان شود، نه اختلاف در مورد مسأله خلافت و امامت. به همین دلیل ایشان بر کتاب حدیث ثقلین خیلی تأکید داشت چون معتقد بود حدیث ثقلین برای امروز کاربرد دارد. از نظر ایشان ما باید مرجعیت علمی اهل بیت را بشناسیم ولی لازم نیست در مسأله غدیر و خلافت، که یک مسأله تاریخی است، با هم بحث کنیم. جالب این است که در دارالتقريب با عبدالمجید سلیم و محمود شلتوت مناسبات خیلی خوبی داشت و آقای واعظ زاده هم به پیروی از آقای بروجردی (رحمة الله علیه) همین مناسبات را برقرار می‌کرد.

آقای واعظ زاده دنبال این بود که طبق گفته آقای بروجردی، «مسائل الخلاف» شیخ طوسی را منتشر کند چون در این کتاب بیان شده است که این اختلافات، اختلافات علمی است و دلیل دارد و در این اختلافات معذور هستند. این از جمله کارهای مهمی بود که با آقای بروجردی داشتند.

#### ◀ ارزیابی شما در مورد آثار پژوهشی ایشان در حوزه تقرب چیست؟

مهمترین خصوصیت این آثار چه در زمینه فقهی و چه در

زمینه‌های رجالی و علم کلام و تقرب بین مذاهب، هدفمند بودنشان است. هدف ایشان از انتشار این آثار عزت امت اسلامی بود و یکی از پایه‌های عزت امت اسلامی تقاخر به وحدت و همدلی است. بنابراین اگر بخواهید با یک عنوان کلی آثار علامه واعظ زاده را وصف کنید، باید بگویید دنبال این بود که عزت امت اسلامی را در وحدت، همدلی، علم و دانش بیان کند و این مسأله خیلی مهمی است.

خیلی از افراد، زیاد کتاب می‌نویسند ولی هدفشان مشخص نیست، اینکه چه می‌خواهند و آن کتاب چه خروجی‌ای دارد. تمام خروجی‌های کتاب علامه واعظ زاده بر وحدت امت اسلامی تأکید می‌کند، زیرا وحدت اسلامی مقدمه‌ای است برای برگرداندن عزت امت اسلامی و برگرداندن عزت امت اسلامی، یعنی برگرداندن حرکت تمدن اسلامی. بنابراین هدف نهایی، همان هدفی است که امروز ما دنبال می‌کنیم و آن مسأله تمدن جدید اسلامی است. ممکن است ایشان مسأله تمدن اسلامی را مطرح نکرده باشد ولی به دنبال رسیدن به آن هدف بزرگ بود.

**اگر بخواهید با یک عنوان کلی آثار علامه واعظ زاده را وصف کنید، باید بگویید دنبال این بود که عزت امت اسلامی را در وحدت، همدلی، علم و دانش بیان کند و این مسأله خیلی مهمی است**



#### ◀ آیت‌الله واعظ زاده اولین دبیرکل مجمع جهانی تقرب مذاهب بودند، همچنین مؤسس دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی نیز بودند. نقش ایشان را در نهادهای سازی تقرب مذاهب با این دو نهاد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از زمان تأسیس مجمع تقرب مذاهب اسلامی من با ایشان همکاری داشتم. وقتی ایشان به این فکر افتاد که مجله رساله‌الاسلام قاهره به نام مجله رساله‌التقريب ادامه پیدا کند، بنده را هم به عنوان سردبیر و هم مدیرمسئول این مجله انتخاب کرد. از همان موقع من این کار را شروع کردم. بعد از آن در مجمع تقرب تغییر و تحولاتی ایجاد شد. ایشان خیلی اعتقاد داشت که من می‌توانم و البته من نیز مثل خودش به تقرب ایمان داشتم. البته این امر بین من و ایشان قابل مقایسه نیست. ولی واقعاً ایمان داشت و بنده نیز به تقرب به عنوان یک هدف بزرگ جهان اسلام ایمان دارم.

مجمع تقرب پایگاهی بود برای ارتباط با کل علمای جهان اسلام، علامه واعظ زاده هم زبان عربی می‌دانست، هم قرآن خوب می‌دانست، هم حدیث و تاریخ و جهان اسلام را خوب می‌شناخت. همه این مؤلفه‌ها در وجودش بود بنابراین خیلی راحت می‌توانست با کل جهان اسلام پیوند بخورد. به همین دلیل، در کنفرانس‌هایی که در زمان او برگزار می‌شد، شخصیت‌های بسیار برجسته حضور می‌یافتند، زیرا در این کنفرانس ایشان را می‌شناختند. بعدها نیز کنفرانس‌های هدفمند بزرگی برگزار کرد، مثل کنفرانس سیدجمال‌الدین اسدآبادی، که کنفرانس فوق‌العاده‌ای بود و شخصیت‌های بزرگی از مصر در آن شرکت کردند. بنده نیز در آنجا مقاله‌ای با عنوان «نقش سیدجمال‌الدین در ادبیات عرب» ارائه کردم. از من سؤال شد که چه ارتباطی بین سیدجمال‌الدین و ادبیات عرب وجود دارد؟ که بنده آنجا عرض کردم، سیدجمال‌الدین

